

## گستره‌ی ولایت فقیه در اندیشه سیاسی علامه محمدحسین نایینی(ره)

مصطفی آقاجانی فکجور<sup>۱\*</sup>

ناصر جمالزاده<sup>۲</sup>

سید مجتبی عزیزی<sup>۳</sup>

### چکیده

**هدف:** اصل ولایت فقیه، با توجه به اهمیت ویژه‌اش در پیشبرد اهداف اسلامی و معاضدتش نسبت به اسلامی شدن جامعه، بیش از همه؛ صحنه‌ی بروز حساسیت و منازعات بوده است. نفس این موضوع، سبب شده تا فقه‌ها، در آثار گوناگون خود به صورت‌های متفاوت، در این موضوع به طرح بحث بپردازند. از جمله نظراتی که درباره‌ی ولایت فقیه عنوان شده و از سوی مخالفان و موافقان زیادی مورد بحث و فحص قرار گرفته، دیدگاه علامه نایینی(ره) است. این تحقیق بر آن است که به این سؤال پاسخ بدهد که حیطة‌ی اختیارات ولی فقیه از نگاه ایشان تا چه میزان است و دیدگاه ایشان ترسیم‌کننده کدام سطح از اعمال ولایت می‌باشد.

**روش‌شناسی پژوهش:** مقاله‌ی حاضر در صدد است با استفاده از روش هرمنوتیک قصدگرایی اسکینر و با لحاظ کردن الزامات روشی آن، به تحقیق در نظرات علامه نایینی که به صورت پراکنده در آثارشان موجود است، و نیز مبتنی بر زمینه‌های تاریخی زمانه علامه بپردازد.

**یافته‌ها:** هر چند تحقیق حاضر به علت اختلافات متعددی که در خوانش آراء ایشان شکل گرفته است، آن‌چنان فرضیه آزما نیست، اما با توجه به مطالعات پیشینی و زمینه‌ی شناخت علمای شیعه، مدعای این پژوهش بر مطلقه بودن ولایت فقیه نزد آیت‌الله نایینی استوار است که در نهایت اثبات می‌گردد.

**نتیجه‌گیری:** این پژوهش، ارائه یک جمع‌بندی مشخص و قابل داورى از منظر علامه نایینی در مورد حدود اختیارات ولایت فقیه است و با در نظر گرفتن متون برجای مانده از علامه نایینی و شناخت زمینه‌های تاریخی به ولایت مطلقه فقیه نزد علامه نایینی دست می‌یابد.

**کلیدواژه‌ها:** میرزای نائینی، ولایت مطلقه، ولایت عامه، ولایت در امور حسبه، حکومت فقیهان.

**Email:** mostafa.aghajani@isu.ac.ir

۱- دانشجوی دکترای علوم سیاسی گرایش مسائل ایران،  
دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول)

**Email:** jamalzadeh@yahoo.com

۲- دانشیار دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه  
امام صادق(ع)

**Email:** seyedmojtabaazizi@gmail.com

۳- استادیار دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه  
امام صادق(ع)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۳

## مقدمه

در نظرگاه عموم فقها، تأکید پیوسته بر این بوده است که اسلام، احکام عبادی صرف نیست که به شئون سیاسی و حکومتی و روابط بین‌المللی و جهانی نپرداخته باشد. برخی از فقهاء ضمن پذیرفتن اصل ولایت فقها، در منشأ ولایت و محدوده‌ی اختیارات و تصرفات فقیه و نحوه اعمال حاکمیت فقیه اختلاف نظر دارند (موسوی شریانی، ۲۰۱۴: ۱۱۶). در این زمینه، دو نظر مشهور ولایت عامه و ولایت مقیده فقیه در بین فقها وجود دارد. اما در عین حال باید گفت؛ در میان دستورهای اسلام هیچ چیزی مانند مسئله‌ی امامت و رهبری که از آن در عصر غیبت به ولایت فقیه تعبیر می‌شود، اهمیت داده نشده است. مفاهیم اسلام، منهای ولایت و حکومت اسلامی، هرگز ارزش واقعی خود را نمی‌یابند، و هرگز نمی‌توانند نقش محتوایی و سازنده‌ی خود را در جامعه ایفا کنند (محمدی اشتهاردی، ۲۰۰۰: ۹). جایگاه مهم ولی در اعتقاد و فقه شیعه آن هم به‌گونه‌ای که حتی بسیاری از امور زندگی منوط به اذن وی است در کنار در اقلیت بودن شیعیان و در نتیجه نیاز به ولی و رهبر به‌عنوان انسجام دهنده در مقابل اکثریت غیرشیعه از یک سو و طولانی شدن امر غیبت امام زمان (عج) از سوی دیگر سبب شد تا نظریه نیابت فقها از جانب امام معصوم در دوران غیبت در طول تاریخ شیعه تکوین و تطور پیدا کند؛ بنابراین نظریه نیابت فقها از جانب امام معصوم (ع) از همان ابتدای دوران غیبت کبری توسط نخستین فقیه نامدار عصر غیبت کبری، شیخ مفید، مطرح شد (جعفر پیشه‌فرد، ۲۰۰۱: ۲۰). لذا اگر اختلافی است؛ غالباً بر روی حیطة وظایف و اختیارات فقیه می‌باشد که تفکیک‌کننده‌ی نظریات ولایت مقیده و مطلقه شده است. علامه نایینی یکی از فقهای است که پیرامون این موضوع ورود جدی داشته است.

محمدحسین نایینی در سال ۱۲۷۷ هجری قمری در نائین از توابع اصفهان دیده به جهان گشود. پدر او میرزا عبدالرحیم از سه عنصر دانش، تمکن مالی و موفقیت اجتماعی برخوردار بود. همین امر به‌علاوه‌ی علاقه‌ی نایینی به دانش، زمینه‌ای را فراهم کرد تا او مدارج علمی را یکی پس از دیگری پشت سر بگذارد تا جایی که پس از ۱۷ سال، حوزه‌ی درس نایین نمی‌توانست عطش علمی او را پاسخ دهد. سرانجام، وی به سال ۱۲۹۰ هجری قمری نایین را به قصد حوزه بزرگ اصفهان ترک کرد و با حمایت شیخ محمدباقر اصفهانی به مدت هفت سال از محضر درس بزرگان حوزه اصفهان استفاده برد. نگاهی اجمالی به استادان نایینی در اصفهان (آقاجفی، کلباسی، قشقایی، هزارجریبی)، گویای این است که نایینی پایه‌های علمی خود را در نایین به خوبی استحکام بخشیده بود. وی بعد از ورود به عراق و قرار گرفتن در ردیف شاگردان میرزای شیرازی، به تدریج وارد جریان‌های سیاسی می‌شود، به‌گونه‌ای که در نهضت تنباکو در کنار میرزای شیرازی، در نهضت مشروطه در کنار آخوند خراسانی، در جهاد بر ضد بیگانگان در کنار عبدالله مازندرانی و در نهضت اسلامی ملت عراق همگام با سید ابوالحسن اصفهانی بود. در خلال وقایع مشروطیت و افزایش نزاع‌های فکری، نایینی به ابراز اندیشه سیاسی خود می‌پردازد که حاصلش کتاب «تنبیه‌الامة» است. اندیشه‌های نایینی در حوزه‌ی سیاست، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر ذهن و زبان اندیشمندان پس از وی بر جای گذاشته و هم اکنون نیز از کانون مناظرات فکری خارج نشده است.

مسئله‌ای که نگارنده را به این پژوهش رهنمون شد؛ اختلافات زیاد در برداشت نظر مرحوم نایینی در موضوع ولایت فقیه بود؛ تا بتواند با تکیه بر شواهد نصی و تاریخی از این فقیه عالی‌قدر، برداشتی منقح ارائه نماید. نظر ایشان در باب عامه یا مقیده بودن ولایت فقیه، مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین نظرات ایشان در کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله با دیگر آرای ایشان در کتب فقهی مورد مقایسه قرار گرفته است و نشان داده شده است که ایشان در کتاب‌های فقهی‌شان علی‌رغم نظر مشهور، به ولایت مطلقه‌ی فقیه اعتقاد دارند و اختیارات فقیه را بسیار گسترده می‌دانند. آیت‌الله نایینی با استمداد از مفاهیم فقهی، اندیشه‌ی تغییر نظام حکومتی را مطرح کرد، و با توجه به استناداتی که در متن به آنها اشاره خواهد شد در ساحت نظری؛ خواهان حکومت ولایت فقیه است. نایینی با توجه به موقعیت زمانی و مشکلات خاصی که در جامعه‌ی معاصرش وجود داشت؛ امکان تشکیل حکومت از سوی فقیه را بعید دانسته و از این‌رو، مدل مشروطه را مطرح می‌کند. الگویی حکومتی که با نظارت فقها اعمال حاکمیت کند و بدین طریق ناسازگاری‌اش با اسلام، حداقل گردد. نایینی به دفع افسد به فاسد، تغییر نظام سلطنت مطلقه و استبدادی به سلطنت مشروطه را (با اعمال قوانین اسلام از طریق مجلس شورا) باور داشت و در موقعیت زمانی حاضر چنین رویکردی از حکومت را قابل اعمال می‌داند (باباپور، ۲۰۰۲: ۱۳۳). اما برای این که عنصر زمان و زمینه‌ها، که در ارائه‌ی راهکار عملیاتی مرحوم نایینی (ره) بسیار مؤثر بوده است، در نظر گرفته شود، و نتایج حاصل برداشت‌های صرفاً متن‌محور نباشد، پژوهش حاضر بر اساس روش اسکینر نوشته شده تا از این نقیصه در امان باشد.

### پیشینه پژوهش

تحقیق حاضر، تحقیقی تاریخی و نظری است، به عبارتی این تحقیق دارای دو بُعد مهم متون فقهی - سیاسی به جا مانده از علامه نایینی (ره) و بررسی شرایط و زمینه‌های تاریخی عصر مرحوم نایینی (ره) است. از این‌رو پیشینه پژوهش‌های مرتبط با این موضوع را می‌توان چنین ذکر کرد.

### کدیور، محسن (۱۹۹۷)، نظریه‌های دولت در فقه شیعه، تهران: نشر نی

در این اثر نویسنده ابتدا با تقسیم‌بندی اعصار تطور فقه سیاسی شیعه به چهار دوره‌ی عصر شکوفایی فقه خصوصی، عصر سلطنت و ولایت، عصر مشروطیت و نظارت و عصر جمهوری اسلامی به‌صورت‌بندی نظریات دولت در فقه شیعه می‌پردازد. و در اثنای بحثش و ذیل مباحث مختلف از اندیشه سیاسی و نظریه ولایت فقیه علامه نایینی (ره) بحث می‌کند. و در آن ذیل نظریه‌ی دولت مشروطه، نایینی را نظریه‌پرداز این موضوع عنوان می‌کند و نتیجه کار ایشان را مشروعیت الهی مردمی به‌عنوان مبنای مشروعیت قدرت سیاسی ارزیابی می‌نماید. بر اساس برداشت کدیور، در نظریه‌ی دولت مشروطه‌ی نایینی (ره)، با اذن فقیهان صاحب ولایت، نقش مردم در امور حسبیه آغاز می‌شود (کدیور، ۱۹۹۷: ۱۳۶). این کتاب آن‌طور که از نظر گذشت، با تمرکز بر متون و آن هم نه تمام متون علامه نایینی و بدون در نظر گرفتن زمینه‌های اجتماعی یا حداقل

ضریب تأثیر کم دادن به آن، برداشتی مطلق از نگاه علامه داشته است. که در پژوهش حاضر سعی شده هم عنصر زمینه در متن دیده شود، و نیز سایر متون فقهی ایشان، علاوه بر تنبیه که متنی بیشتر سیاسی است، مورد توجه جدی قرار گیرد.

#### فیرحی، داود (۲۰۱۵)، آستانه تجدد؛ در شرح تنبیه الامة و تنزیه الملة، تهران: نشر نی

این کتاب که در واقع شرحی مطول بر کتاب مهم علامه نایینی یعنی تنبیه الامة است؛ در بخش‌های مختلف به مباحث مربوط به ولایت فقیه از نگاه مرحوم نایینی پرداخته است. اما نکته‌ی حایز اهمیت آنجاست که برداشت شارح از تقریرات مرحوم نایینی در تقریر مرحوم خوانساری و نیز در تقریر شیخ محمدتقی آملی و هم کتاب تنبیه الامة این است که ایشان ولایت فقیه را قبول ندارد در حالی که مرحوم نایینی قائل به ولایت فقیه است و مقبوله عمرین حنظله را در اثبات ولایت عامه فقیه قبول دارد و تمام می‌داند و نیز در کتاب تنبیه الامة تصریح کرده که دو فصل نوشته شده در اثبات ولایت عامه فقیه بوده اما چون کتاب فوق برای عموم نوشته شده و آن دو بخش تخصصی بوده است، حذف شده است. بر این اساس این برداشت از ولایت فقیه به‌طور کلی ناقص می‌نماید. در این اثر سعی شده با در نظر گرفتن این گونه روایات که از سوی علامه نایینی مستند قرار گرفته و در ترسیم نظریه کلی ایشان در موضوع ولایت فقیه بسیار تأثیرگذار است، این نقیصه جبران شود. به علاوه سعی شده در این پژوهش علاوه بر متن «تنبیه» که در اثر آقای فیرحی مورد تمرکز قرار گرفته، متون دیگر فقهی نیز مورد توجه قرار گیرد.

#### مرشدی زاد، علی؛ قربانی، سعید (بهار ۲۰۱۶)، بررسی مقایسه‌ای جایگاه سیاسی فقیه در دولت؛

مطالعه موردی اندیشه امام خمینی(ره) و علامه نایینی(ره)، رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳۴.

این مقاله با رویکرد مقایسه‌ای، به بررسی دیدگاه امام خمینی(ره) و آیت‌الله نایینی(ره) در خصوص جایگاه سیاسی فقیه می‌پردازد. در این مقاله، ولایت فقیه از نگاه آیت‌الله نایینی مورد توجه قرار گرفته است و اجمالاً به تصویری که ایشان از ولایت فقیه ارائه کرده‌اند نیز پرداخته شده است؛ اما با توجه به موضوع مقاله، به صورت دقیق؛ موضوع مورد کنکاش قرار نگرفته است و مستندات کافی برای بیان ادعای نویسنده که قائل به بیان مطلقه از ولایت فقیه نزد مرحوم نایینی است، ارائه نشده است. از سویی این مقاله هر چند دارای گزاره‌های زمینه‌ای است، اما به‌صورت روشمند و منقح و کامل به این زمینه‌ها نپرداخته است. در مقاله حاضر سعی شده است؛ این موضوعات تصحیح شود.

#### سایر مقالات و کتب پراکنده

در بسیاری از مقالات و کتب دیگر که بخشی از آنها به‌عنوان منبع در این اثر مورد استفاده قرار گرفته است؛ موضع و نگاه علامه نایینی(ره) به ولایت فقیه، به صورت گذرا و با گزاره‌های پراکنده و بعضاً متمرکز بر اثر

تنبیه الامه، به بیان نظریه‌ی مرحوم نایینی در این مبحث پرداخته‌اند. که این پراکندگی، مخاطب را از وصول به نتیجه‌ای واضح و روشن از تصویر ولایت فقیه نزد ایشان بازمی‌دارد.

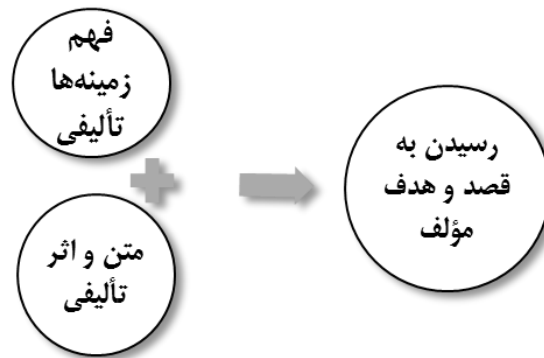
### روش پژوهش؛ هرمنوتیک قصدگرا

در بررسی آراء علامه نایینی(ره) نسبت به موضوع ولایت فقیه، ضروری است، ابتدا بر رهیافت هرمنوتیک قصدگرای «اسکینر»، دقت نظر اعمال شود، و پس از آن به کاربست این روش برای حصول نتایج تحقیق اهتمام ورزید. هرمنوتیک، مقوله‌ی فهم و تفسیر متن را موضوع یک شناسایی مستقل قرار می‌دهد؛ اما به جز اندکی از مفسران که دستی در فلسفه داشتند، کسی از آنان به ارائه‌ی تئوری فهم نپرداخت. می‌توان روش هرمنوتیکی را روشی برای فهم و تفسیر هر نوع متنی از جمله متون دینی دانست. و از آنجا که بخش عظیمی از محتوای دین از متون دینی تشکیل شده است، روش هرمنوتیکی (در صورتی که از قواعد صحیح و مقبول تشکیل شده باشد، می‌تواند به مفسر در فهم و تبیین صحیح متون دینی کمک شایانی کند (شیری، ۲۰۱۲: ۸۱).

اما از بین رویکردهای مختلف هرمنوتیکی رویکردی که در آن خواننده برای دستیابی به مراد و مقصود مؤلف، متن را می‌خواند؛ قصدگرایی<sup>۱</sup> نامیده می‌شود که از آن به عینیت‌گرایی نیز تعبیر می‌شود. عینیت‌گرایی اصرار دارد که وجود معنایی ثابت و تغییرناپذیر یک اصل است؛ معنایی که باید به منزله‌ی غایت و هدف هر تفسیری پیش‌فرض گرفته شود تا براساس آن باور کرد که برخی تفاسیر نسبت به باقی حقیقی‌تر و درست‌ترند (کوزنزهوی، ۱۹۹۲: ۷۶). از سویی در سال‌های اخیر پروفیسور «کوئنتین اسکینر» برای فهم اندیشه سیاسی روشی هرمنوتیکی معرفی نموده که به هرمنوتیک قصدگرای اسکینر معروف است. اسکینر برای تحلیل اندیشه سیاسی بر بازسازی «زمینه<sup>۲</sup>» تأکید دارد. وی با تأثیر از نظریه‌ی کنشی زبان، حرف را نوعی عمل ارتباطی و نویسنده را به‌عنوان کنشگر در نظر می‌گیرد. در این روش ضمن لحاظ خود متن و زمینه‌ی شکل‌گیری آن، به قصدیت مؤلف به‌عنوان کنش مضمون در سخن او توجه می‌شود و با کشف قصد مؤلف امکان فهم تصرفات او نسبت به دیگر اندیشه‌های هم‌عصرش به دست می‌آید (محمودپناهی، ۲۰۱۵: ۱۵۹).

1. intentionality

2. context



شکل ۱: روش هرمنوتیک قصد‌گرای اسکینر

در پژوهش حاضر نویسنده بر آن است تا با کاربرد روش اسکینر و در نظر گرفتن توأمان متن و زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری آن، موضع و ترسیم آیت‌الله نایینی (ره) در مورد ولایت فقیه را مورد بررسی قرار دهد تا به نتایجی متقن‌تر، کامل‌تر و بعضاً متفاوت از آنچه نویسندگان پیشین با روش‌های توصیفی بدان رسیده‌اند، دست یابد. از این‌رو نگارنده با فیش‌برداری توصیفی از متون علامه و کتب تاریخی سعی بر جمع بین زمینه و متن در مقاله‌ی حاضر داشته است.

### چارچوب مفهومی پژوهش

یکی از مشکلات عمده‌ی علوم اجتماعی، تعریف واژه‌ها است. کمتر واژه‌ای است که در علوم اجتماعی به‌گونه‌ای معنا شده باشد که مورد اتفاق و یا اجماع همگان باشد. واژه‌هایی چون مشروعیت، ولایت فقیه، امور حسبه، ولایت مطلقه، در اندیشه‌ها و فقهای گوناگون، متفاوت معنا شده‌اند و هر اندیشمندی بر اساس آراء و استنباط‌های خویش از منابع و ادله، به تعریف خود رسیده است. از این‌رو طبیعی است که از الفاظ و مفاهیم مختلف، تعاریف متفاوتی شده باشد. در این مجال به توضیح مختصر واژگان و مفاهیمی می‌پردازیم که در ترسیم دقیق بحث و رسیدن به نتیجه راهگشا هستند.

### مشروعیت حکومت

بر اساس نظریه‌ی «اندیشه مدون»، اسلام در هر حوزه از حیات بشر، مجموعه‌ی عناصری ثابت و ماندنی و همه‌جایی و همه‌زمانی دارد که این مجموعه با یکدیگر هماهنگ می‌باشند و ما به آنها «نظام» می‌گوییم (هادوی تهرانی، ۲۰۱۰: ۶۱). در رابطه با تشکیل حکومت در زمانی که امام معصوم (ع) غایب است، بین علما اختلاف بوده است. نایینی در کتابش در رابطه با ضرورت حکومت می‌گوید: «بالضرورة معلوم است که حفظ شرف و استقلال و قومیت هر قومی هم چه آن‌که راجع به امتیازات دینی باشد یا وطنیه، منوط به قیام امارتشان است به نوع خودشان، والا جهات امتیازیه و ناموس اعظم دین و مذهب و شرف استقلال وطن و

قومیتشان به کلی نیست و نابود خواهد بود، هرچند به اعلی مدارج ثروت و مکت و آبادانی و ترقی مملکت نائل شوند. از این جهت است که در شریعت مطهره، حفظ بیضه‌ی اسلام را از اهم جمیع تکالیف و سلطنت اسلامیة را از وظایف و شوون امامت فرموده‌اند» (نایینی، ۲۰۰۴: ۳۹). آیت‌الله نایینی حکومت را لازمه‌ی زندگی بشر می‌داند و بر این اعتقاد است که جمیع عقلا بر این عقیده متفق هستند، ایشان به صورت مستدل بیان می‌کند که: «بدان که این معنی نزد جمیع امم، مسلم و تمام عقلاء عالم بر آن متفق‌اند که چنانچه استقامت نظام عالم (متوقف بر مدیر و مدبری است)، و تعیش و ادامه‌ی حیات نوع بشر نیز متوقف به سلطنت و سیاستی است؛ خواه آن سلطنت قائم به شخص واحد باشد یا به هیئت جمعیه و شورایی و چه آن که تصدی آن به حق باشد یا اغتصاب، به قهر باشد یا به وراثت و انتخاب» (نایینی، ۲۰۰۶: ۶۵). در اندیشه مرحوم نایینی (ره) به صورت غیرمستقیم، در واقع این فقها هستند که اعمال حاکمیت می‌کنند چون حاکم حق ندارد قانونی وضع کند که برخلاف مبنای اسلامی باشد. در قسمت اول فصل پنجم تنبیه الامه به این موضوع اشاره شده است: ۱- از آنجا که کلیه مسئولیت‌ها و وظایف محوله به قوه مقننه از مصادیق امور حسبیه محسوب می‌شود و ولایت بر امور حسبیه و تصدی آنها موکول به اذن مجتهد نافذ الحکومه در عصر غیبت می‌باشد، لذا حضور چند تن از فقهای عادل و آشنا به سیاست می‌تواند کار قوه مقننه را در تصدی امور حسبیه تنفیذ و مشروع نماید (امام خمینی (ره)، بی تا: ۲۸۹).

### امور حسبه

قاعده‌ی حسبه از مهم‌ترین قواعد فقه عمومی است که همواره مورد توجه فقیهان بوده است. اگرچه فقیهان در تعریف آن اختلاف کرده‌اند، ولی آنان در قدر متیقن حسبه، یعنی اموری که تحقق آن به مصلحت جامعه و ترک آن موجب مفسده‌ی اجتماعی است اتفاق نظر دارند (نقیبی، ۲۰۰۹: ۱۵۳). در آثار متقدمان شیعه، حسبه اصطلاح چندان روشن و مشهوری نیست. در آثار متأخرتر (از شیخ انصاری (ره) به بعد) تعاریفی از آن ارائه شده است. شیخ انصاری در کتاب مکاسب در بحث ولایت فقیه، ولایت فقیه را در اموری می‌پذیرد که مشروعیت ایجاد آن در خارج مفروغ عنه باشد، به گونه‌ای که اگر فقیه وجود نداشت، اقدام به انجام آن بر مردم واجب کفایی است. مؤلف ایصال الطالب در توضیح عبارت می‌نویسد: «مراد شیخ، اثبات ولایت فقیه در امور حسبیه‌اس. طبق عبارت مذکور، امور حسبیه اموری هستند که شارع در هر صورتی خواهان ایجاد آنها در خارج است؛ حال یا این وظیفه بر عهده‌ی شخص خاص یا صنف خاصی است و یا در صورت اثبات، جواز ولایت فقیه، بر عهده‌ی فقیه می‌باشد» (شیرازی، بی تا: ۱۹۰). سید بحر العلوم صاحب کتاب بلغة الفقیه در بحث ششم کتاب خود که در رابطه با ولایة الحسبة است، در معنای حسبه می‌نویسد «حسبه به معنای قربت است؛ یعنی تقرب جستن به خداوند متعال. مورد حسبه هر کار نیکی است که شرعاً وجود آن در خارج خواسته شده، بدون این که انجام‌دهنده‌ی ویژه‌ای داشته باشد، و این از قبیل همان اموری است که فقیه در آنها ولایت دارد» (آل بحر العلوم، ۱۴۰۳: ۲۹۰). آیت‌الله نایینی در رابطه با امور حسبه می‌فرماید: «از جمله قطعیات مذهب ما - طائفه امامیه - این است که در این عصر غیبت - علی مَغِیْبِهِ السَّلَامُ - آنچه از ولایات

نوعیه را که عدم رضای شارع مقدس به اهمال آن، حتی در این زمینه هم، معلوم باشد، «وظایف حسبیه» نامیده، نیابت فقهای عصر غیبت را در آن قدر متیقن و ثابت دانستیم حتی با عدم ثبوت نیابت عامه در جمیع مناصب؛ و چون عدم رضای شارع مقدس به اختلال نظام و ذهاب بیضه‌ی اسلام و بلکه اهمیت وظایف راجعه به حفظ و نظم ممالک اسلامی از تمام امور حسبیه از اوضح قطعیات است، لهذا ثبوت نیابت فقها و نواب عام عصر غیبت در اقامه وظایف مذکوره از قطعیات مذهب خواهد بود» (نایینی، ۲۰۰۹: ۷۶). بر این اساس نایینی دخالت در سیاست را از امور حسبه دانسته و در این باره می‌افزاید: «لکن چون قیام به سیاست امور امت از وظایف حسبیه و از باب ولایت است، پس اقامه‌ی آن از وظایف نواب عام و مجتهدین عدول است» (نایینی، ۲۰۰۶: ۱۴۴).

### ولایت فقیه

آیت الله جوادی آملی در رابطه با مفهوم و شرایط ولایت فقیه می‌فرماید: «مقصود از فقیه در بحث ولایت فقیه، مجتهد جامع‌الشرایط است نه هرکسی که فقه خوانده باشد. فقیه جامع‌الشرایط باید سه ویژگی داشته باشد؛ اجتهاد مطلق، عدالت مطلق و قدرت مدیریت و استعداد رهبری. یعنی از سویی باید صدر و ساقه‌ی اسلام را به طور عمیق و با استدلال و استنباط بشناسد و از سوی دیگر، در تمام زمینه‌ها، حدود و ضوابط الهی را رعایت کند و از هیچ یک تخطی ننماید و از سوی سوم، استعداد و توانایی مدیریت و کشورداری و لوازم آن را واجد باشد (جوادی آملی، ۲۰۱۱: ۱۳۶). اما در خصوص واژه‌ی ولایت راغب چنین توضیح می‌دهد: «ولایت یعنی قرار گرفتن دو چیز در کنار یکدیگر به گونه‌ای هیچ چیز سومی بین آن دو نباشد (هیچ فاصله‌ای بین آنان نباشد)، این نزدیک بودن از حیث مکان، نسبت بین آن دو، صداقت و دوستی و یاری‌رساندن به یکدیگر است» (راغب، ۱۴۱۲: ۸۸۵).<sup>۱</sup> از این رو این واژه به معانی مختلفی از جمله دوستی و حب، نصرت و یاری، متابعت و پیروی و هم‌چنین سرپرستی به کار رفته است. در کلمه ولایت فقیه آنچه مدنظر است معنای اخیر است. آیت‌الله جوادی در جمع این دو معنا توضیح می‌دهد: «ولایت به معنای سرپرستی در سه معنا به کار می‌رود نخست ولایت تکوینی، دوم ولایت بر تشریح و سوم نیز ولایت تشریحی. ولایت تکوینی از آن رو که به تکوین موجودات عینی جهان مربوط می‌شود رابطه‌ای حقیقی است اما دو نوع بعدی رابطه‌ای وضعی و قراردادی است. ولایت بر تشریح نیز به معنای ولایت بر قانون‌گذاری و تشریح احکام است، ولایت نوع سوم یعنی ولایت تشریحی، ولایتی است که در ولایت فقها مدنظر است و آن ولایت در محدوده شرع و قانون الهی بر بندگان خدا است» (جوادی آملی، ۲۰۱۱: ۱۲۳-۱۲۵).

۱. اللولاء و التوالی: أن يحصل شیتان فصاعدا حصولا لیس بینهما ما لیس بينهما، و يستعار ذلك للقرب من حیث المكان، و من حیث النسبة، و من حیث الدین، و من حیث الصداقة و النصرة و الاعتقاد.



### ولایت مطلقه یا عامه فقیه

ولایت مورد بحث به دو قسمت ولایت مقیده؛ که مقید کردن اختیارات ولی در امور حسبه و ولایت مطلقه یا عامه؛ که به معنای تسری ولایت فقیه به همه حوزه‌های اجتماعی و سیاسی به‌جز آن که به دلیلی چون مخصوص بودن برای امام معصوم(ع) خارج شود؛ تعلق می‌گیرد. هنگامی که عبارت اطلاق را در رابطه با ولایت فقیه مطرح می‌کنند، دامنه‌ی آن را گسترده دانسته، در رابطه با شؤن عامه و مصالح عمومی امت، که بسیار پر دامنه است می‌دانند بدین معنی که فقیه شایسته، که بار تحمل مسئولیت زعامت را بر دوش می‌گیرد، در تمامی ابعاد سیاستمداری مسئولیت دارد و در راه تأمین مصالح امت و در تمامی ابعاد آن باید بکوشد و این همان ولایت مطلقه است. پس منظور از «اتلاق» گسترش دامنه‌ی ولایت فقیه است، تا آنجا که شریعت امتداد دارد و مسئولیت اجرایی ولی فقیه در تمامی احکام انتظامی اسلام و در رابطه تمامی ابعاد مصالح امت می‌باشد و مانند دیگر ولایت‌ها یک‌بعدی نخواهد بود (معرفت، ۱۹۹۸: ۷۴).

### دیدگاه علامه نایینی نسبت به ولایت فقیه

میرزای نایینی(ره) در بسیاری از حوادث سیاسی زمانه خود از جمله انقلاب مشروطه، جنگ‌های روسیه با ایران، حکم جهاد علیه استعمار انگلیس در عراق و تغییر نظام شاهنشاهی به جمهوری در دوره‌ی پهلوی تأثیر داشت (صمیمی، ۲۰۰۵: ۱۱۰). از این رو می‌توان نایینی(ره) را مصداق یک فقیه سیاسی به حساب آورد که کنش‌گری سیاسی را به‌مثابه‌ی وظیفه برای خود قلمداد می‌کرد. از سویی با ورود اندیشه‌های مدرن در دوره‌ی مشروطه، افراد و نحله‌های مختلف واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دادند. برخی در ورطه‌ی سنت‌گرایی مذهبی افتادند، برخی برخلاف این جهت به ارزش‌های غربی تمایل پیدا کردند اما دسته‌ای راهی میانه را در پیش گرفته و نواندیش دینی شدند که در پی بازگشت به اسلام حقیقی و روزآمد کردن آن و در عین حال اقتباس از مفاهیم و آموزه‌های جدید بودند. این جریان، استفاده از غرب را گریزناپذیر می‌دانست، ولی با تقلید از دین مخالف بود (حسنی‌فر، ۲۰۱۰: ۹۶). مرحوم نایینی نیز از نواندیشان دینی است که سعی در همساز کردن مفاهیم غربی چون مشروطه، مجلس شورا، آزادی و مساوات با اسلام را دارد؛ که این موضوع در بحث ایشان از ولایت فقیه و ترسیم حکومت اسلامی از سوی ایشان به نحو بارزی مشاهده می‌گردد. علامه نایینی(ره) با دیدگاه ولایت مطلقه‌ی فقیه در ادامه‌ی سنت شیخ مفید، نراقی و محقق کرکی در ارتباط با محیطی که محل ورود سیل اندیشه‌های مشروطه‌خواهی است، به تبیین حکومت اسلامی مطلوب خود پرداخت. برای وصول به نگاهی جامع و دقیق از ولایت فقیه نزد علامه نایینی(ره) در این قسمت، ابتدا به مستندات متن‌محور نظریه‌ی او و پس از آن به زمینه‌های شکل‌گیری آن دقت خواهد شد. تا با در نظر گرفتن این دو مؤلفه، نتیجه‌ی حاصل شده متقن‌تر از آن چیزی باشد که پیشینیان بدان پرداخته‌اند.

### مستندات متن محور موضع علامه نایینی در بحث ولایت فقیه

برای به دست آوردن مختصات ولایت فقیه در اندیشه سیاسی نایینی(ره)، ابتدا باید به این سؤال پاسخ داد که اندیشه‌ی سیاسی ایشان تنها در آثار صرفاً نظری و اندیشه‌ای ایشان نهفته است یا می‌توان آثار فقهی ایشان که در بردارنده‌ی آراء سیاسی وی است را نیز در زمره‌ی متون مهم، مورد کنکاش قرار داد. فیرحی بر این نظر است که منظور از اندیشه سیاسی اسلام اندیشه سیاسی مسلمانان و به عبارت دقیق‌تر اندیشه سیاسی علمای اسلامی است. به این معنا که هر چند خاستگاه همه‌ی اندیشه‌های سیاسی علمای اسلامی دین اسلام است اما در واقع این حاصل فحص و اجتهاد علما از منابع دست اول اسلامی است که به عنوان اندیشه سیاسی مطرح می‌گردد (فیرحی، ۲۰۰۶: ۲۰). از همین رو است که برخی، کتب فقهی علمای شیعه را منبع دست دوم در اندیشه سیاسی اسلام محسوب می‌کنند و از آن با عنوان دسته دوم نصوص دینی منبع اندیشه اسلامی یاد می‌کنند (فیرحی، ۲۰۱۰: ۵۱). البته این تعبیر از کتب علمای اسلام با رویه‌ی حاکم میان فقها که بر مبنای اجتهاد و دست یافتن به حجت از منابع دست اول است سازگار نیست، بنابراین تعبیر درست‌تر آن است که کتب علمای اسلامی بیان‌گر اندیشه اجتهاد شده از منابع دست اول است. تعبیر دیگری از جمله اسلام یک و اسلام دو نیز برای تفکیک دو مقوله فوق بیان می‌شود: «اسلام یک مجموعه آن اصول، عقاید و فروعی است که در شرع مقدس وجود دارد، همان گونه که مقصود از اسلام دو برداشتها و قرائت‌هایی است که از اسلام یک به دست داده می‌شود» (حقیقت، ۲۰۰۷: ۳۱). در این مقاله، اندیشه‌ی سیاسی علامه نایینی در بخش ولایت فقیه مورد مذاقه قرار گرفته است. و با توجه به اجتهادی بودن مباحث در کتب فقهی، این آثار نیز در کنار سایر آثار سیاسی ایشان مورد دقت قرار گرفته است. بر این اساس در این قسمت مستندات متن محور علامه نایینی(ره) خواهد آمد.

### دلالت مقبوله عمر بن حنظله بر ولایت مطلقه فقیه

علامه نایینی(ره) مقبوله‌ی عمر بن حنظله را برای اثبات ولایت فقیه از جهت سند و دلالت کافی می‌داند. از نظر نایینی این مقبوله - در مقام شرط بسنده- برای اثبات ولایت عامه کفایت می‌کند. وی خود در این خصوص چنین می‌گوید: «تمسک جستن به مقبوله‌ی مذکور برای اثبات ولایت عامه‌ی فقها از نظر فنی فاقد اشکال است، ولی صدر این روایت ظهور در مطلب دارد و سؤال کننده در سؤالی که از امام(ع) کرده، قاضی را در مقابل سلطان قرار داده و امام نیز حرف او را در این که قاضی در مقابل سلطان است، تثبیت نموده است» (نایینی، ۱۹۵۵: ۱۱۶). این فقره بدین معناست که فقیه نه فقط می‌تواند حکمی درباره‌ی امر قضا صادر کند، بلکه می‌تواند منصب زعامت را نیز کسب نماید؛ بنابراین فقیه حاکم، ولایت عامه دارد و بر همین اساس می‌تواند بر مردم حکومت کند، در مقابل، قاضی فاقد چنین منصبی است (حیدری و عبدالله‌پور، ۲۰۰۵: ۷۶). همچنین باید گفت طبق تقریر درس مکاسب محقق نایینی(ره)، وی ولایت را به دو قسم ولایت تکوینی و تشریحی تقسیم کرده و پس از اثبات هر دو قسم ولایت برای پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع)، ولایت تشریحی را قابل جعل و اعطا به غیر معصوم دانسته و در حوزه‌ی ولایت تشریحی دو منصب

ولایت امری و قضاوت را از شوون فقیه می‌شمارد «برای هر کدام از این دو (والی و قاضی) وظیفه‌ای غیر از وظیفه دیگری است. پس وظیفه والی، امور کلی است که مربوط به تدبیر ملک، سیاست، اخذ مالیات، زکات و صرف آن در مصالح عامه مانند تجهیز سپاه و اعطای حقوق ذوی الحقوق می‌باشد و به عبارت دیگر هر چه که وظیفه سلطان در مملکتش هست، وظیفه ولی هم هست. که از آن جمله جعل قاضی در سرزمین و منطقه تحت ولایت خودش است. همان‌طور که در این زمان مشاهده می‌شود که قاضی از طرف حاکم در ناحیه‌ای نصب شده و باید از دستورات حاکم پیروی کند» (املی، بی تا: ۳۳۴). نایینی (ره) نسبت به منصب ولایت امری طبق گزارش مرحوم املی؛ جز مقبوله‌ی عمر بن حنظله، دیگر روایات را از اثبات ولایت عامه‌ی فقیه قاصر دانسته است و دلالت آنها را بر چیزی افزون بر اثبات وظیفه‌ی تبلیغ احکام بر مردم و وجوب اطاعت مداوم بر آنچه تبلیغ می‌کنند، نمی‌دانست. اما دلالت مقبوله‌ی عمر بن حنظله بر ولایت عامه فقیه را پذیرفته است (املی، بی تا: ۳۳۴-۳۳۶). بر این اساس و با وجود این مستند، ولی فقیه و حوزه‌ی اعمال ولایت آن اعم از قضا و برابر یا بیشتر از اختیارات سلطان در حیطة‌ی حکومتش است.

#### عدم تمکن فقها در تشکیل حکومت و رجوع اضطراری به دیگران

آیت‌الله نایینی همانند سلسله‌ی روحانیت پیش از خود، ولایت را برای فقیه ثابت می‌داند؛ اما اگر برای مجتهدی، شرایط محقق نبود، می‌توان با ایجاد برخی سازوکارها، فساد و مضرات حکومت جور را کم نمود، بارزترین ظهور این اندیشه در اثر سیاسی میرزا قراردادن مجلس به‌جای قوه عصمت در عصر غیبت و ترجیح سلطنت مشروعه به سلطنت غیرمشروعه است (نایینی، ۲۰۰۳: ۴۵). میرزا در دو واقعه تاریخی این اندیشه خود را به نمایش گذاشت نخست در تأیید مشروطه و سپس در مخالفت با طرح جمهوریّت رضاخان (کاظمی، ۲۰۱۴: ۱۱۳). از این‌رو در اینجا نیز نباید برخورد اقتضایی نایینی را به جای اصل نظریه‌ی او قرار داد. هرچند ولایت، به عدول مؤمنین منتقل می‌شود و اگر مؤمن عادل‌ی هم یافت نشد، ولایت به مسلمانان معمولی می‌رسد. ایشان استدلال می‌کند: «عدم تمکن نواب عام بعضاً و کلاً از اقامه‌ی آن وظایف موجب سقوطش نباشد، بلکه نوبت ولایت در اقامه‌ی آن به عدول مؤمنین می‌رسد و با عدم تمکن آنان، به عموم مردم معمولی، بلکه به فساق مسلمین می‌رسد» (نایینی، ۲۰۰۶: ۱۴۶). طبق این سلسله مراتب طراحی شده توسط علامه نایینی (ره)، اولویت با فقها است و در صورت عدم وجود شرایط از آن یک پله پایین می‌آید.

#### تعریف موسع از امور حسبیه

علامه نایینی همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر شد؛ با تعریفی که از امور حسبیه ارائه می‌کند؛ تا حد زیادی تکلیف ولایت فقیه را نیز روشن می‌نماید. ایشان در کتاب تنبیه الامه بیان می‌کند: «از جمله قطعیات مذهب ما - طائفه امامیه - این است که در این عصر غیبت - عَلَی مَغِیْبِهِ السَّلَامُ - آنچه از ولایات نوعیه را که عدم رضای شارع مقدّس به اهمال آن، حتی در این زمینه هم، معلوم باشد، «وظایف حسبیه» نامیده، نیابت فقهای عصر غیبت را در آن قدر متیقّن و ثابت دانستیم حتی با عدم ثبوت نیابت عامه در جمیع مناصب؛ و چون عدم رضای شارع مقدّس به اختلال نظام و ذهاب بیضه‌ی اسلام و بلکه اهمیّت وظایف راجعه به حفظ و

نظم ممالک اسلامیّه از تمام امور حسبیّه از اوضح قطعیات است، لهذا ثبوت نیابت فقها و نواب عام عصر غیبت در اقامه وظایف مذکوره از قطعیات مذهب خواهد بود» (نایینی، ۲۰۰۹: ۷۶). مرحوم نایینی در این قسمت، به صراحت هرچه تمام‌تر؛ ولایت فقهای عادل را در زمان غیبت در تشکیل و یا تنفیذ دولت از مهم‌ترین موارد حسبه و مصادیق قدر متیقن امور حسبیّه شمرده و مشروعیت چنین حکومتی را از قطعیات مذهب شیعه عنوان می‌کند.

#### مشروعیت منتخبین وابسته به تأیید فقها

نایینی در تقسیم‌بندی حکومت‌ها به دو نوع ولایتیه و تملیکیه اشاره می‌کند و نظام ولایتیه را هم محدود به شرع اسلام می‌داند و برای این که در مسائل حکومتی، قانونی برخلاف اسلام وضع نشود به هیئت نظار اشاره می‌کند «و مشروعیت نظارت هیئت منتخبه مبعوثان بنابر اصول اهل سنت و جماعت که اختیارات اهل حل و عقد امت را در این امور متبع دانسته‌اند، به نفس انتخاب ملت متحقق و متوقف بر امر دیگری نخواهد بود، و اما بنابر اصول ما - طائفه‌ی امامیه - که این گونه امور نوعیه و سیاست امور امت را از وظایف نواب عام عصر غیبت - علی مغیبه السلام - می‌دانیم، اشمال هیئت منتخبه بر عده‌ای از مجتهدین عدول و یا مأذونین از قبل مجتهدی و تصحیح و تنفیذ و موافقتشان در آراء صادره برای مشروعیتش کافی است و مزید توضیح این مطلب بعد از این خواهد آمد إن شاء الله تعالی» (نایینی، ۱۹۵۵: ۱۵). بر این اساس اعمال حکومت و نظارت کارگزاران انتخابی، در صورتی مشروع است که فرد فی الحقیقه مشروع، این امر را بدان‌ها تنفیذ نماید که نفس این موضوع، اولویت و اصالت حکومت فقها را اثبات می‌نماید.

#### ترجیح حکومت مشروطه بر اساس قاعده‌ی دفع افسد به فاسد

مرحوم نایینی بر اساس قواعد فقهی مشهور؛ طی تصمیمی عقلایی و اصولی؛ حکومت مشروطه را مطرح و از آن حمایت می‌کند و در توصیف شرایط روز که منجر شده از نظر خود عجائبات دست بشوید چنین توضیح می‌دهد: «در این زمینه که دستان نه تنها از دامان عصمت بلکه از ملکه‌ی تقوی و عدالت و علم متصدیان هم کوتاه و به ضد حقیقتی و فقط مقابل آنها گرفتاریم، همچنان که معلوم است حفظ همان درجه‌ی مسلمه از محدودیت سلطنت اسلامیّه که دانستی متفق علیه امت و از ضروریات دین اسلام است...» (نایینی، ۱۹۵۵: ۵۶). طبق این فراز، در دیدگاه میرزای نایینی گرچه بسنده نمودن به صفاتی چون علم و عدالت به جای عصمت و انتصاب در مشروعیت دولت متکی به آرای عمومی خلاف اصول مذهب تشیع است اما در عصر غیبت که امکان دست‌یابی به زمامدار معصوم و منصوب وجود ندارد از باب قاعده میسور و قدر مقدور امکان جایگزینی علم و عدالت و انتخاب به جای عصمت و انتصاب، زمینه عمل به اصول مذهب شیعه را فراهم می‌سازد (همان، ۸۶). همچنین با توجه به ظلم مضاعفی که در حکومت استبدادی وجود دارد و سلطان جائز، حق خدا را غصب می‌نماید و از سوی دیگر با غصب مقام ولایت به مقام امامت تعدی و ظلم روا می‌دارد؛ و از لحاظ دیگر با اعمال سلطه بر مردم، مرتکب تعدی به حقوق ملت می‌گردد بی‌شک محذورات ناشی از این شیوه حکومت به مراتب بیشتر از محذوراتی است که حکومت ولایی دارد. که در آنجا فقط یک ظلم تحقق

می‌یابد که ظلم به مقام ولایت است (نایینی، ۱۹۵۵: ۴۷). براساس این توجیه فقهی که بر مبنای قاعده دفع افسد به فاسد استوار است، در حکومت پارلمانی تنها غصب مقام امامت است که با تطبیق قاعده دفع افسد به فاسد و با توجه به مفاد الزام‌آور آن، تصدی مقام امامت نیز از باب ضرورت مجاز می‌گردد. و این جزء نظر اصولی علامه نایینی نبوده است.

### قابلیت تفویض مراتب ولایت فقیه

میرزای نایینی طبق تقریر شیخ موسی نجفی خوانساری، ولایت تشریحی را به سه مرتبه تقسیم کرده است: مرتبه بالای ولایت را که ولایت بر جان و مال مردم است، به پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) اختصاص داده است، ولی دو مرتبه دیگر ولایت را که ولایت در امور سیاسی مربوط به نظم بلاد و انتظام امور مردم، حفظ مرزها، جهاد با دشمن و ولایت در فتوی و قضاوت را قابل تفویض به دیگران معرفی کرده است (برجی، ۲۰۰۳: ۱۲) و (خوانساری، ۱۳۷۷ق، ج ۲: ۳۳۰-۳۳۵). ایشان در بحث تفویض امور به خصوص با توجه به ظرف زمانی وظایف قانون‌گذاری را با نظارت فقها به دیگران می‌سپارد اما این حق را در اصل برای فقها ثابت می‌داند. «بنابر اصول ما - طایفه امامیه - که این‌گونه امور نوعیه و سیاست امور امت را (نظارت و قانون‌گذاری در مجلس) از وظایف نواب عام عصر غیبت می‌دانیم» (نایینی، ۲۰۰۳: ۴۹). و یا در جای دیگر همین معنا را افاده می‌کند: «در عصر غیبت هم ترجیحات نواب عام و یا ماذونین از جانب ایشان لامحاله به مقتضای نیابت ثابته قطعیه علی کل تقدیر، ملزم این قسم است» (نایینی، ۲۰۰۳: ۱۳۵).

### جرح و تعدیل مستندات نویسندگان و الگوی استنتاجی متن محور

همان‌طور که گذشت میرزای نایینی ولایت را به سه دسته تقسیم نمود که مرتبه اول که از آن پیامبر و ائمه‌ی اطهار(ع) است غیرقابل تفویض و دو شق دیگر یعنی امور سیاسی(نظم بلاد و ...) و افتاء و قضا که به ولایة و قضاة می‌رسیده است. که در مواردی که فرد صلاحیت هر دو امر را داشت هر دو در یک فرد قابل جمع بود (خوانساری، ۱۳۷۷ق، ج ۲: ۲۳۱). وی در ادامه بحث اخبار وارده در خصوص ولایت فقیه را در معنا سوم (قضاوت) برداشت می‌کند و نتیجه بحثش حضور فقها را در ولایت عامه و افتاء و قضا وارد می‌داند (خوانساری، ۱۳۷۷ق، ج ۲: ۲۳۸). برخی بر این اساس و اماره‌های کتاب تنبیه همین نتیجه را پذیرفته‌اند. اما در تقریر مرحوم آملی از همین بحث، میرزا شأن قضاوت را برای فقیه بلاشک دانسته و در مورد ولایت فقیه در امور سیاسی ابتدا به قدر متیقن حکم می‌دهد - البته قدر متیقن در اموری است که شارع راضی به اهمال آن نیست (حسبه) و دانستیم که حسبه نزد میرزای نایینی به چه معناست - اما پس از فحص در روایات و بررسی اخبار؛ هیچ یک به جز مقبوله را برای استناد ولایت عامه‌ی فقیه کافی نمی‌داند (آملی، بی‌تا، ج ۲: ۳۳۴-۳۳۸). بر این اساس در آثار مرحوم نایینی؛ به ظاهر با سه نظریه مواجه هستیم؛ به عبارتی در کتاب منیة المراد، ولایت در قضا مورد بررسی قرار گرفته، در المکاسب و البیع؛ ولایت در امور حسبه از جمله امور سیاسی و در تنبیه الامه؛ ترکیبی از نظراتشان قابل حصول است. برای حصول نتیجه از این رهگذر باید گفت نظر میرزا به واسطه‌ی دلایل گفته شده در بالا ولایت عامه‌ی فقیه است. از سویی هر چند در تقریر

مرحوم خوانساری اثبات ولایت عامه مشکل دانسته شده، اما بنا به نظر برخی مربوط به شخص خوانساری است (رحمان ستایش، ۲۰۰۶: ۱۱۷). و نظر مرحوم نایینی با توجه به سیر بحث و آوردن روایت ابن خدیجه برای اثبات ولایت عامه فقها، در حوزه افتاء، قضاء و حاسبه (به آن معنای مورد نظر) بوده است. و به علاوه در المكاسب و البیع آن را به طور صریح خالی از اشکال می‌بیند و در تنبیه نیز ضمن ضروری و حاسبه دانستن بحث قانون و قانون‌گذاری؛ و در زمره‌ی تکالیف فقیه دیدن آن امر، با گزاره‌های مختلف از این معنا استفاده و آن را برای افراد صاحب صلاحیت (آن‌گونه که در تنبیه الامه شرح آمده است) البته با نظارت فقها قابل تفویض می‌شمارد.

### زمینه‌های اجتماعی تاریخی شکل‌گیری موضع علامه نایینی در بحث ولایت فقیه

نایینی هرگز به مشروطه‌ای بدون حضور مستقیم یا غیرمستقیم فقها در ارکان آن نمی‌اندیشید و آن را موجب از بین رفتن مشروعیت نظام مشروطه می‌دانست (جعفرپیشه فرد، ۲۰۱۱: ۳۰). شاید برخی بر این عقیده‌اند که نظام مشروطه؛ نظریه‌ی سیاسی علامه نایینی است؛ اما واقعیت این است که مشروطه، تجویز ثانویه و اقتضایی ایشان است و وی نیز مانند بسیاری از عالمان شیعه نظریه‌ی سیاسی‌اش همان ولایت فقیه است. بسیاری از علمای این دوره حضور خود را در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی وظیفه‌ی خود دانسته و در دفاع از دین و امت اسلامی تردیدی به خود راه نمی‌دادند. علامه نایینی هم از جمله‌ی این فقها بود که نمی‌توانست در قبال مسائل بی‌تفاوت باشد و در پی آن بود که تا جایی که ممکن است برخلاف قوانین و ارزش‌های اسلامی در جامعه عمل نشود و تصمیماتی گرفته نشود که قواعد و مبانی اسلامی را زیر سؤال ببرد. وی از پرچم‌داران شاخص مشروطیت، محسوب می‌شود (مرشدی‌زاد، ۲۰۱۶: ۴). مجموعه‌ای از دلایل و زمینه‌ها سبب شد تا محقق نایینی (ره) به این موضع و یا سایر تعبیرش که کمی متفاوت از ولایت عامه فقیه به معنای کنونی‌اش است، برسد. در این مجال مهم‌ترین این دلایل مورد توجه قرار می‌گیرد.

### اهمیت بالای بحران استبداد داخلی

یکی از دلایل مطرح نشدن علنی ولایت فقیه از منظر نایینی را در این موضوع می‌توان بررسی کرد که مهم‌ترین بحران دوره‌ی مرحوم نایینی، استبداد و ظلم دستگاه استبداد شاهی بود. فساد، رشوه‌خواری، ضعف سیاست داخلی و خارجی، هرزگی شاهان، فقر و بیکاری عمومی و ... تصویر آن دوران بود (موسوی شریانی، ۲۰۱۵: ۱۹۸). از این رو هر چند در گذشته و دوران صفوی نبود حکومت شیعی بحران به حساب می‌آمد اکنون استبداد همین حکومت، منجر به مصلحت‌اندیشی مرحوم نایینی شد تا با سیاست مشروطیت نیز شده؛ با ریشه‌ی این خرابی‌ها یعنی رژیم مستبد مبارزه نماید چرا که زمینه‌ی پذیرش و آگاهی مردم برای شکل‌گیری حکومت پیرامون ولایت فقیه فراهم نبود. میرزا در این خصوص تصریح می‌کند: «چنانچه غاصبی عدوانا وضع ید نماید و رفع یدش راسا ممکن نباشد، ولکن ترتیبات عملیه و گماشتن هیئت نظاری توان تصرفش را تحدید و موقوفه مغضوبه را -مثلاً- از حیف و میل و مصرف شهواتش، کلاً ام بعضاً صیانت نمود، البته وجوب آن بدیهی و خلاف در آن نه از علمای متشرعین، بلکه از عقلای دهرین هم هیچ متصور و متحمل

نخواهد بود» (نائینی، ۲۰۰۳: ۷۶). میرزا و دیگر علمای نواندیش دینی چون ایشان مشروطه را راهکاری برای برون‌رفت از استبداد شاه و حفظ بیضه اسلام می‌دانستند، از این‌رو تصمیم بر آن گرفتند که با نادیده گرفتن برخی از شرایط و بایسته‌های نظام آرمانی خود، اندیشه خود را در راستای تأیید و حمایت از مشروطه صرف نمایند (حائری، ۱۹۸۵: ۲۱۲).

#### نقش علما در جنبش مشروطه در جایگاه رهبری معنوی و عملیاتی

انقلاب مشروطیت در ایران ره‌آورد و برآیند دو خواست ریشه‌دار نخبگان و مردم بود. در فرایند مشروطه روحانیت نقش داشتند ولی در قبال نقشی که در فرآیند انقلاب اسلامی داشتند ناچیز بود و به خاطر همین مطرح کردن مسئله ولایت فقیه و شکل‌گیری حکومت اسلامی با مبنای آن در انقلاب اسلامی به نسبت آسان‌تر و مردم‌پسندتر است تا دوره‌ای که روحانیت در آن نقش آنچنان گسترده‌ای نداشته باشند. و به خاطر همین موضوع اعلام ولایت فقیه در همه ابعاد کاری مشکل بود (مرشدی‌زاد، ۲۰۱۶: ۲۱). البته نمی‌توان این موضع را کاملاً تأیید کرد و باید گفت روحانیت و علما در مشروطه واقعاً جایگاه رهبری داشته و روشنفکرانی مانند ملکم و امثال آن، بر ضرورت میان‌داری روحانیت تأکید داشتند؛ اما به دلیل عدم آگاهی و آمادگی اجتماعی و نیز دخالت تأثیرگذار روشنفکران در رهبری عملیاتی انقلاب در این زمان، روحانیت و شخص نائینی(ره) تصمیم می‌گیرد بدین شکل با ایشان همراهی نماید.

#### کسب تدریجی قدرت مقابله با استبداد

در عصر صفوی با گسترش تشیع، شاهان به تأیید و حمایت علما برای مشروع نشان دادن دولتشان وابسته شدند و این موضوع تاحدی مدیون سیاست‌ورزی علما در تعریف نسبت خود با دولت بود. روحانیت از جانب شاه به همکاری دعوت شد و منصب حکومتی (شیخ الاسلام، ملاباشیگری و...) یافت حتی منصبی به نام بست‌نشینی از طرف دولت برایشان اعلام گردید (نجفی، ۲۰۰۹: ۵۸)؛ بشیریه عامل دیگر این استقلال عمل را در انتقال حوزه‌ی علمیه از ایران به عراق ارزیابی می‌نماید (بشیریه، ۲۰۱۲: ۲۴۲). و همین موضوع زمینه‌ی مقابله‌ی مستقیم علما- که اکنون پایگاه اجتماعی بالاتری یافته‌بودند- و شخص نائینی با استبداد قاجاری را تشدید نمود.

#### خطر تزلزل پایگاه اجتماعی علما در بین مردم

هر چند که اهمیت جایگاه روحانیت از آغاز عصر غیبت در حوزه‌ی اجتماع و سیاست قابل چشم‌پوشی نیست، اما وقایع دوره‌ی قاجاری، به تقویت روزافزون این جایگاه کمک کرد. نفوذ ایدئولوژیک علما در جامعه و واسط‌شدن ایشان بین مردم و شاه در این دوره افزایش یافت (بشیریه، ۲۰۱۲: ۲۴۲). که همه‌ی این‌ها به معنای افزایش پایگاه اجتماعی علما بود که می‌توانست اهداف سه‌گانه‌ی تبلیغ معارف شیعی، نظارت بر شاه برای عدم اتکای به بیگانه و جلوگیری از استبداد شاه را محقق نماید. با ورود روشنفکران مشروطه‌خواه و ورود مفهوم ملت از طریق روزنامه‌ها که رسانه‌ای جدید برای این طبقه به حساب می‌آمد، بخشی از مردم از علما مستقل شدند از این‌رو امکان جذب آنان توسط گروه‌های روشنفکری و ربودن گوی رهبری از علما

وجود داشت. به خصوص آن که در تبلیغات خود از غرب، آزادی مطلق را دلیلی برای پیشرفت و ترقی می‌دانستند و ضعف داخلی را ناشی از فقدان این نعمت بیان می‌کردند. اندیشه‌ای که خود را در قالب دو جریان اجتماعیون (دموکرات‌ها)، در مجلس وقت نشان داد. در این وضعیت نایینی(ره) برای حفظ این پایگاه و استفاده از آن برای اهداف ذکر شده و ممانعت از غلتیدن افکار مردم در دامان روشنفکران، ضمن مواضع اصولی خود راجع به ولایت عامه‌ی فقیه، با مشروطیت همراهی کرد. از این رو حمایت از مشروطه از آن جهت است که یک گام حکومت را به سمت اسلام نزدیک نموده و یک گام از ظلم و تصرف عدوانی دور می‌نماید. مخالفت بعدی میرزا(ره) با همین مجلس مشروطه به واسطه‌ی دوری از ماهیت اولیه‌ی ترسیم‌شده‌اش، مؤید نکات بالا است (کاظمی، ۲۰۱۴: ۱۱۵).

#### خطر نفوذ قدرت‌های خارجی و قاعده نفی سبیل

دوره‌ی قاجار، دوره‌ی تلاش اروپائیان برای دخالت و نفوذ در ایران است، که این مسئله ریشه در ضعف دولت قاجار و عقب ماندن جامعه ایران از پیشرفت در عرصه تکنولوژی از یک سو و ظهور پدیده استعمار و امپریالیسم از سوی دیگر دارد. وجود معادن و منابع، وجد نظام سنتی تولید، موقعیت ژئوپولیتیک ایران و نیز بازارهای آن؛ مورد توجه قدرت‌ها قرار گرفت. اروپاییان کالاهای جدید خود را راهی ایران نمودند و در این میان طیف منورالفکر نیز مبتنی بر این پیشرفت‌ها، به نظام سیاسی و فرهنگی - مذهبی ایران می‌تاختند و ضعف داخلی را که مشکل مدیریتی بود؛ بر عهده‌ی نظام سیاسی ارزیابی و تبلیغ می‌کردند. در کنار این کالاهای، افکار آزادی‌خواهانه و مشروطه نیز راهی ایران شد. علمای اسلام با ورود کالاها و افکار بیگانه که موجبات تحت سلطه قرار گرفتن قدرت شیعه را فراهم می‌کرد؛ به مخالفت پرداختند. و در این راه چاره‌ای جز استفاده از دو عنصر دولت(شاه) و مردم نداشتند و برای این موضوع نایینی و طیف همراه او برای نگه‌داشت شاه از استبداد و همراهی مردم در مقابله با سیل بنیان کن تمدن غربی، از نظام مشروطه حمایت نمودند. نایینی در این خصوص می‌گوید: «مبداء طبیعی این چنین تنزل مسلمین و تفوق ملل مسیحیه بر آنان هم که معظم ممالکشان را بردند و هیچ نمانده که این اقل قلیل باقی‌مانده را هم ببرند؛ همین اسارت و رقیت مسلمین در تحت حکومت استعبادیه موروثه از معاویه و فوز آنانست به حکومت مسئوله مأخوذه از شرع مسلمین و چنانچه باز هم مسلمانان از این سكرت و غفلت به خود نیابند... چندی نخواهد گذشت که العیاذبالله تعالی مانند مسلمین معظم آفریقا و اغلب ممالک آسیا و غیرذلک؛ نعمت شرف و استقلال قومیت و سلطنت اسلامی را از دست داده و در تحت حکومت نصاری اسیر و دوره‌ای نخواهد گذشت که مانند اهالی اندلس و غیرها، اسلامی‌شان به تنصر و مساجدشان کنیسه و ... مبدل می‌شود» (نایینی، ۱۹۵۵: ۳۶ و ۵۰).

#### زمینه‌ی خانوداگی مرحوم نایینی

طبق گزارش‌های تاریخی؛ محمدحسین نایینی، فرزند شیخ عبدالرحیم و نوه شیخ محمد سعید نایینی است که هر دو در دوره‌ی خود توسط سلطان وقت قاجاری به مقام شیخ‌الاسلامی (یکی از درجات و مناصب علما) منصوب شده بودند. برخی بر این عقیده‌اند که حضور پدر و جد در این مناصب را نمی‌توان بی‌تأثیر در



اندیشه سیاسی مرحوم نایینی به حساب آورد و می‌توان ادعا کرد که یکی از عوامل اعتقاد نایینی به آن که سلطنت را می‌توان با برخی اقدامات از جمله تشکیل مجلس قانون‌گذاری (مشروطه) اصلاح نمود و به سراغ اعمال ولایت عامه فقیه در جامعه نرفت؛ حضور پدر و جد در منصب شیخ‌الاسلامی است.

### نتیجه‌گیری

اندیشه سیاسی میرزای نایینی (ره) را نباید تنها در کتاب تنبیه الامة یافت، مجموعه نظرات ایشان در امور سیاسی در کتب مختلف، این‌گونه نتیجه می‌دهد که وی ولایت فقها را در همه شئون حکومتی، افتاء و قضا دانسته است. این موضوع آن‌طور که در قسمت بالا نیز ذکر شد، مؤیدات فقهی و تاریخی متعددی نیز دارد. علامه نایینی در خاتمه‌ی کتاب تنبیه، اذعان می‌کند که «اول در شروع نوشتن این رساله؛ علاوه بر همین فصول خمرسه دو فصل دیگر هم در اثبات نیابت فقه‌های عدول عصر غیبت در اقامه‌ی وظایف راجعه به سیاست امور امت و فروع مرتبه بر وجوه و کیفیات آن مرتب و مجموع فصول رساله هفت فصل بود و...» (نایینی، ۱۹۵۵: ۱۴۱). ایشان در بیان در طول حکومت معصوم بودن ولایت فقها می‌افزاید «در عصر غیبت هم ترجیحات نواب عام و یا مأذونین از جانب ایشان، لامحال به مقتضیات نیابت ثابته‌ی قطعیه - علی کل تقدیر - ملزم این قسم است و از این بیان به خوبی حال هفوات و اراجیف مغرضین - که این الزام و التزامات قانونیه را شرعاً بلاملزم پنداشته - منکشف و ظاهر شد که جز کمال غرضانیت و یا عدم اطلاع به مقتضیات اصول مذهب، منشاء دیگری ندارد (نایینی، ۱۹۵۵: ۱۰۱). علامه نایینی (ره) در جاهای مختلف به بحث ولایت فقیه اشاره کرده؛ اگرچه عبارات او در این باره از باب ولایت مطلقه؛ یا از باب ولایت بر امور حسبیه یا از باب قدر متیقن در جاهای مختلف، متفاوت است، اما این تفاوت‌ها همان‌طور که گذشت؛ کاملاً قابل جمع است و در کل نظریه‌ی واحدی از ایشان صادر شده است، اما ناظر به زمینه‌ی اجتماعی - سیاسی موجود و گفتمان قانون که در زمان راهن در حال پیگیری عمومی بود؛ و نیز نوع مطلوب نظری او زمینه‌ی اجرایی نداشت؛ میرزا در مرحله‌ی تجویز، نظراتش را طبق اقتضائات و متناسب با محیط در حمایت از مشروطه تنظیم کرد.

### References

- Aqabzorg Tehrani, Mohammad Hassan (1403 AH). *Al-Dari'ah al-Tasanif al-Shi'ah*, Volume 4, Beirut: Dar al-Azwa.
- Al-Bahr al-Ulum, Sayyid Muhammad (1403 AH). *Balgha al-Faqih*, Volume 3, Tehran: Al-Sadiq Library.
- Taqi Amoli, Sheikh Mohammad (Dateless). *Al-Makasib wa Al-Bayy*; Report of the research of the great master Mirza Al-Naeini, Qom: Islamic Publishing Institute.

- Isfahani, Hussein Ibn Mohammad Ragheb (1412 AH). *Al-Mufradat Fi Al-Faz Al-Quran*, Beirut: Dar Al-Alam publication.
- Izadi, Mehdi; Hassanvand, Amin; Fazli, Azizullah (2011). *Velayat-e-Faqih in the political thought of Akhund Khorasani*, *Journal of Political Science*, No. 13.
- Babapour, Mehdi (2002). *The Historical Trend of the Theory of Velayat-e-Faqih from the Viewpoint of Imam Khomeini (RA)*, Maaref Publishing Office.
- Borji, Yaghoob Ali (2001). *The Historical Course of the Theory of Velayat-e-Faqih*, *Research Journal of Islamic Law*, Nos. 3 and 4.
- Borji, Yaghoob Ali (2003). *Velayat-e-Faqih from the point of view of jurists during the constitutional period*, *Jihad Culture Quarterly*, No. 33 and 34.
- Bashirieh, Hossein (2012). *Political Sociology; the Role of Social Forces in Political Life*, Tehran: Ney Publishing.
- Jafarpisheh Fard, Mustafa (2011). *The Political Position of the Jurist in the Discourse of the Constitutional Era*, *Journal of the Islamic Government*, No. 3.
- Jafarpisheh Fard, Mustafa (2002). *Intellectual Challenges of Velayat-e-Faqih Theory*, Qom: Bustan Ketab Institute.
- Jafar Pishefard, Mustafa (2001). *Background of Theory of Velayat-e-Faqih*, Qom: Secretariat of the Assembly of Leadership Experts.
- Javadi Amoli, Abdullah, (2011). *Velayat-e-Faqih; Province of Jurisprudence and Justice*, Qom: Publishing Prisoners.
- Haeri, Abdolhadi (1985). *Shiism and constitutionalism in Iran and the role of Iranians living in Iraq*, Tehran: Amirkabir publication.
- Hassanifar, Abdolrahman (2010). “Study of Mohammad Hossein Naeini’s approach to new concepts and teachings”, *Politics* publication.
- Haghighat, Seyed Sadegh (2007). *The Problem of Islamic Political Studies*, Qom: Book Garden.
- Heidari, Abbas; Abdollahpour, Mohammad (2015). *Understanding the reading of contemporary jurists from political jurisprudence: A study by Morteza Ansari, Mirza Naeini and Imam Khomeini (RA)*, *Journal of Islamic Policy Research*, No. 7.
- Rahman Satayesh, Mohammad Kazem (2006). *Religious Democracy from the Perspective of Mohaghegh Naeini*, in *Religious Democracy* by Kazem Ghazizadeh, Tehran: Orouj Publishing.
- Seyyed Mohammad, Shirazi (Dateless). *Essal al-Talib's Al-Makasib*.
- Shiri, Tahmourth; Azimi, Neda (2012). “A Comparative Study of Qualitative Content Analysis and Hermeneutic Method”, *Sociological Studies*, No. 15.
- Samimi, Seyed Rashid (2005). *Theoretical Effects of the Age of Absence on Shiite Political Thought*, Tehran: Radio and Television Research Center. (In Persian)
- Abbas Ali, Amid Zanjani (2000). “Fundamentals of Government in the Political Thought of Mirza Naeini”, in *a Look at the Opinions and Thoughts of the Great Shiite Genius Mirza Mohammad Hossein Gharavi Naeini*, Isfahan: Association of Cultural Works and Honors of Isfahan Province. (In Persian)
- Farihi, Davood (2010). *The Power of Knowledge and Legitimacy in Islam*, Tehran: Ney publication. (In Persian)

- Farihi, Davood (2015). *The Threshold of Modernity; in the description of the punishment of the nation and the purification of the nation*, Tehran: Ney publication. (In Persian)
- Farihi, Davood (2006). *The Political System and Government in Islam*, Tehran: Samt publication. (In Persian)
- Kazemi, Seyed Mohammad Sadegh (2014). *A Comparative Study of the Practice of Velayat-e-Faqih from Safavid to the Contemporary Era*, Tehran: Imam Sadegh (AS) University, M.Sc. Thesis.
- Kadivar, Mohsen (1997). *Theories of government in Shiite jurisprudence*, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Kuzenzhavi, David (1992). *Critical Circle*, translated by Morad Farhadipour, Tehran: Gil Publications, quoting Vaezi, Asghar (2013), Intentionalism versus Semantic Independence, Quarterly Journal of Literary Research, No. 41.
- Mohammadi Eshtehardi, Mohammad (2000). *Velayat-e-Faqih; Pillar of the Islamic Revolution*, Tehran: Motahar Publications. (In Persian)
- Mahmoud Panahi, Seyed Mohammad Reza (2015). “A Study of Skinner's Intentional Hermeneutic Methodology”, Research Policy Quarterly, No. 3.
- Morshedizad, Ali; Ghorbani, Saeed (2016). “A comparative study of the political position of the jurist in the government”; A Case Study of the Thought of Imam Khomeini (RA) and Allameh Naeini (RA), The Approach of the Islamic Revolution, No. 34.
- Maarefat, Mohammad Hadi (1998). *Velayat-e-Faqih*, Qom, Al-Tamheed Publications. (In Persian)
- Mousavi Khomeini, Ruhollah (Dateless). *Kashf al-Asrar*, Tehran: Payam Azadi Publications. (In Persian)
- Mousavi Sharbiani, Seyed Jalal (2015). “A Comparative Study of the Political Thoughts of Allameh Naeini and Imam Khomeini with Emphasis on the Influence of Contemporary Crises”, Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies, No. 42
- Moghimi, Gholam Hossein (2000). “The province and the political role of the people from the perspective of Mohaghegh Naini”, in a look at the views and ideas of the great Shiite genius. (In Persian)
- Gharavi Naeini, Mirza Mohammad Hossein; Isfahan: Association of Cultural Works and Honors of Isfahan Province (429). (In Persian)
- Naeini, Hossein (2006). *Tanbih al-Ummah and Tanzih al-Mullah*, with introduction and description by Ruhollah Hosseinian, Tehran: Islamic Revolutionary Documentation Center Publications. (In Persian)
- Naeini, Hossein (2009). *Tanbih al-Ummah and Tanzih al-Mullah*, corrected and researched by Javad Varej. Qom: Boostane Ketab. (In Persian)
- Naeini, Hossein (1955). *Tanbih al-Ummah and Tanzih al-Mullah*, with introduction and explanations by Ayatollah Taleghani, Tehran, Bina. (In Persian)
- Najafi, Musa (2003). *With the Constitutionals: A Reflection on Shiite Reformist Thought*, Monthly Thought and Political History of Contemporary Iran; Zamaneh, vol2, No 11.
- Najafi, Musa; and Haqqani, Faqih Musa (2009). *History of Political Developments in Iran: A Study of the Components of Nation-State Development in the Extensive National Identity of Iran*, Tehran: Institute of Contemporary History Studies.

- 
- Najafi Khansari, Sheikh Musa (1377 AH). *Minya al-Talib in the margins of gain*, Qom: Mohammadiyah. (In Persian)
  - Naghibi, Abolghasem (2009). “The rule of Hesbeh from the perspective of Imam Khomeini”, Tehran: Matin Research Journal. (In Persian)
  - Hadavi Tehrani, Mahdi (2010). *Velayat-e-Faqih Fundamentals of Evidence and Authority*, Tehran: Young Thought Center publication. (In Persian)